**اللباب** **في (50) حدیثا من أحادیث الآداب**

**(من صحیح البخاری و مسلم)**

**تألیف:**

**خالد بن عبدالرحمن العسکر**

**ترجمه:**

**اسحاق دبیری** /

**1425/1383ﻫ.**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | اللباب في (50) حدیثا من أحادیث الآداب (من صحیح البخاری و مسلم) | | | |
| **تالیف:** | خالد بن عبدالرحمن العسکر | | | |
| **ترجمه:** | اسحاق دبیری | | | |
| **موضوع:** | احادیث نبوی | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری | | | |
| **منبع:** | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقدمه مترجم 5](#_Toc387080231)

[مقدمه مؤلف 6](#_Toc387080232)

[حديث 1: (اينكه خدا و رسول خدا از هر چيز براي او محبوبتر باشد) 7](#_Toc387080233)

[حديث 2: (تأسي و اقتدا به سنتهاي رسول الله **ص**) 7](#_Toc387080234)

[حديث 3: (فضيلت بنده با تقوا و پرهيزگار كه تقواي خود را از مردم پنهان كرده است) 8](#_Toc387080235)

[حديث 4: (نهي از سوگند خوردن بر خدا) 8](#_Toc387080236)

[حديث 5: (بر حق‌ترين مردم به نيكي) 8](#_Toc387080237)

[حديث 6: (نهي كردن مرد كه والدين خود را دشنام دهد) 9](#_Toc387080238)

[حديث 7: (گناه قطع كننده صله رحمي) 10](#_Toc387080239)

[حديث 8: (برگرداندن نيكي براي پيوند و صله رحم كافي نيست) 10](#_Toc387080240)

[حديث 9: (نهى كردن از كسانيكه در هديه خود بازگشت مى‌كنند) 11](#_Toc387080241)

[حديث 10: (نيكوكاري و گناه) 11](#_Toc387080242)

[حديث 11: (مسلمان كسى استكه مسلمان ديگر از اذيت او مصون باشد) 11](#_Toc387080243)

[حديث 12: (از خصلت‌هاي ايمان گفتار نيك و مراعات حقوق همسايگان و ميهمانان است) 12](#_Toc387080244)

[حديث 13: (ياري و كمك مؤمنين به يكديگر) 12](#_Toc387080245)

[حديث 14: (قضاء حوائج مسلمانان) 13](#_Toc387080246)

[حديث 15: (حق مسلمان بر مسلمان ديگر) 14](#_Toc387080247)

[حديث 16: (برادري اسلام و حقوق مسلمان) 14](#_Toc387080248)

[حديث 17: (نهي از قهر كردن بيش از سه روز) 15](#_Toc387080249)

[حديث 18: (سواره بر نشسته، وافراد كم بر افراد بسيار سلام مى‌كنند) 15](#_Toc387080250)

[حديث 19: (سلام بر شناخت و غير شناخت است) 16](#_Toc387080251)

[حديث 20: (مستحب است با چهره باز و روي خوش برخورد كني) 16](#_Toc387080252)

[حديث 21: (تشويق بر راستگوئي و نهي از دروغگوئي) 16](#_Toc387080253)

[حديث 22: (نشانه هاي منافق) 17](#_Toc387080254)

[حديث 23: (حفظ زبان) 18](#_Toc387080255)

[حديث 24: (تعريف غيبت) 18](#_Toc387080256)

[حديث 25: (نهي از نميمه و سخن چيني) 19](#_Toc387080257)

[حديث 26: (نهي از دشنام دادن و لعنت كردن) 19](#_Toc387080258)

[حديث 27: (نهي از دشنام دادن مردگان) 19](#_Toc387080259)

[حديث 28: (دوري و اجتناب از خشم و غضب) 20](#_Toc387080260)

[حديث 29: (اگر حيا نداشتي هر چه خواستي بكن) 20](#_Toc387080261)

[حديث 30: (حيا بخشي از ايمان است) 20](#_Toc387080262)

[حديث 31: (نرم رفتاري) 21](#_Toc387080263)

[حديث 32: (نهي از كبر و غرور) 21](#_Toc387080264)

[حديث 33: (آنچه از مدح و ثنا مكروه است) 22](#_Toc387080265)

[حديث 34: (مؤمن عيب خود را مى‌پوشاند) 22](#_Toc387080266)

[حديث 35: (آنچه پائين تر از كعب باشد در آتش است) 23](#_Toc387080267)

[حديث 36: (حق راه را مراعات كنيد) 23](#_Toc387080268)

[حديث 37: (جايز بودن مناجات اگر بيش از سه نفر باشد) 24](#_Toc387080269)

[حديث 38: (باز كردن جا در مجالس) 24](#_Toc387080270)

[حديث 39: (اجازه خواستن بخاطر نگاه چشم است) 24](#_Toc387080271)

[حديث 40: (در امور دنيا انسان بايد به كسانىكه از او فقيرتر و عاجزتراند نگاه كند) 25](#_Toc387080272)

[حديث 41: (بسم الله گفتن نزد خوردن، و با دست راست خوردن) 25](#_Toc387080273)

[حديث 42: (ليساندن انگشتان) 26](#_Toc387080274)

[حديث 43: (خوردن و آشاميدن با دست راست) 26](#_Toc387080275)

[حديث 44: (نوشيدن در حال ايستادن مكروه است) 27](#_Toc387080276)

[حديث 45: (هرگاه كفشي را پوشيد از راست شروع كند و هرگاه آنرا بيرون آورد، از چپ شروع كند) 27](#_Toc387080277)

[حديث 46: (آنچه در عطسه مستحب، و در خميازه ناپسند است) 27](#_Toc387080278)

[حديث 47: (آداب ديدن خواب) 28](#_Toc387080279)

[حديث 48: (كسى‌كه در خواب ديدن دروغ بگويد) 29](#_Toc387080280)

[حديث 49: (در دعا كردن عزم و اراده كند چون براي خدا ناپسند نيست) 29](#_Toc387080281)

[حديث 50: (سيد الاستغفار) 30](#_Toc387080282)

مقدمه مترجم

الحمدلله وصلى الله وسلم على نبينا محمد وآله وصحبه ومن والاه أما بعد:

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وآله وصحبه ومن والاه أما بعد:

این كتاب كه (اللباب) یعنی لب و مغز هر چیز نام دارد و شامل (50) حدیث از احادیث آداب است كه برادر خالد ابن عبدالرحمن العسكر آنرا جمع‌آوری كرده، ما آنرا ترجمه كردیم تا بتوان آنها را حفظ نمود احادیث آن آسان و كوچک است و در زندگی روزمره هر انسانی بكار برده مى‌شود.

از خداوند خواهانم آنرا برای رضا وخشنودی خود قرار دهد، و بر ما و برادر مؤلف اجر و پاداش بسیار عطا فرماید.

وصلى الله على نبينا محمد وآله وصحبه وسلم.

ریاض: إسحاق بن عبدالله دبیری

عربستان سعودى ـ ریاض:

13/5/1424ﻫ برابر با 12/5/1382 ﻫ.

مقدمه مؤلف

الحمد لله الـمحمود بما له من الأسماء الحسنى, والصفات الكاملة العليا, وعلى آثارها الشاملة للأولى والأخرى.والصلاة والسلام على نبينا محمد, أجمع الخلق لكل وصف حميد, وخلق رشيد, وقول سديد, وعلى آله وأصحابه وأتباعه من جميع العبيد, وبعد:

هیچ سخن و گفتاری بعد از سخن و گفتار خدا صادق و پر نفع و فایده و در برگیرنده خیر این دنیا و آخرت نیست، مگر سخن و گفتار رسول خدا و حبیب او محمد ص، چون او آگاه‌ترین مخلوقات و ناصح‌ترین و هدایت كننده‌ترین و فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین و آموزنده‌ترین و بیان كننده‌ترین مخلوقات است.

و این رساله شامل است بر پنجاه حدیث از احادیث آداب نبوی كه در صحیح بخاری و مسلم آمده و مسلمان را بر اقتدا و تأسی به آن تشویق مى‌كند، تا اینكه آداب و اخلاق و عادات او بر منهج و روش مستقیم و مسلک قویم باشد و تا اینكه مسلمان بتواند بعضی از این احادیث نبوی را حفظ نماید. تا اینكه این احادیث مختصر كلیدی برای حفظ كردن غیر از آن باشد، و مقصود ما بیان و توضیح نیكی به مردم است و اینكه آنرا در مسابقه ها برای حفظ قرار دهند و در تعطیلات و غیره از آن در مسابقه ها استفاده ببرند.

از خداوند خواهانیم كه این عمل را خالص برای رضا و خشنودی خود قرار دهد، و فایده آن را به همگان برساند، اوست قادر بر همه چیزها.

**خالد بن عبدالرحمن العسكر**

حديث 1: (اينكه خدا و رسول خدا از هر چيز براي او محبوبتر باشد)

أنس بن مالك از پیامبر ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «ثَلاَثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلاَوَةَ الإِيمَانِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا، وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لاَ يُحِبُّهُ إِلاَّ لِلَّهِ، وَأَنْ يَكْرَهَ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقْذَفَ فِي النَّارِ». [متفق عليه]([[1]](#footnote-1)). «كسی كه این سه خصلت را داشته باشد، شیرینی ایمان را مى‌چشد، یكی اینكه: خدا و رسولش را از همه بیشتر دوست داشته باشد، دوم اینكه: محبتش با هر كس، بخاطر خوشنودی خدا باشد. سوم اینكه: برگشتن به سوی كفر، برایش مانند رفتن در آتش، ناگوار باشد».

حديث 2: (تأسي و اقتدا به سنتهاي رسول الله ص)

أبوهریره از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «قَالَ كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلاَّ مَنْ أَبَى قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ يَأْبَى قَالَ مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى». [رواه البخاري]([[2]](#footnote-2)). «تمامی امت من به بهشت داخل خواهند شد مگر كیسكه خود از دخول آن امتناع ورزد! گفتند: اى رسول خدا! چه كسی است كه از دخول به بهشت اجتناب مى‌ورزد؟ فرمودند: هر كس از من اطاعت كند به بهشت داخل مى‌شود، و هر كس از من نافرمانی (و سرپیچی) كند او همان كسی است كه خود از دخول به بهشت امتناع ورزیده است».

حديث 3: (فضيلت بنده با تقوا و پرهيزگار كه تقواي خود را از مردم پنهان كرده است)

سعد بن أبی وقاص گوید: از پیامبر ص شنیدم كه:«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ التَّقِيَّ الْغَنِيَّ الْخَفِيَّ»**.** [رواه مسلم]([[3]](#footnote-3)). «خداوند بندهء با تقوا و پرهیزگار كه تقوای خود را از دیگران پنهان مى‌كند و محتاج دیگران نیست دوست دارد».

حديث 4: (نهي از سوگند خوردن بر خدا)

جندب از رسول الله ص روایت مى‌كند كه مردی گفت: «وَاللَّهِ لاَ يَغْفِرُ اللَّهُ لِفُلاَنٍ وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ مَنْ ذَا الَّذِي يَتَأَلَّى عَلَيَّ أَنْ لاَ أَغْفِرَ لِفُلاَنٍ فَإِنِّي قَدْ غَفَرْتُ لِفُلاَنٍ وَأَحْبَطْتُ عَمَلَكَ». [رواه مسلم]([[4]](#footnote-4)). «سوگند بخدا كه خدا فلانی را نمى‌بخشد، خداوند فرمود: این چه كسی است كه بر من سوگند مى‌خورد كه فلانی را نمى‌بخشم!! من او را بخشیدم و عمل تو را نابود كردم».

حديث 5: (بر حق‌ترين مردم به نيكي)

أبوهریره گوید: مردی به نزد رسول اكرم ص آمد و گفت: ای رسول خدا**!** «مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي قَالَ أُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ أُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ أُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ أَبُوكَ»[متفق عليه]([[5]](#footnote-5)). «چه كسی شایسته ترین مردم به نیكی من است؟ فرمود: مادرت، آن مرد این جمله را سه بار تكرار مى‌كرد، و رسول اكرم ص در جواب مى‌فرمود: مادرت، و چهارمین بار در جواب فرمود: پدرت».

حديث 6: (نهي كردن مرد كه والدين خود را دشنام دهد)

عبدالله بن عمرو ب گوید: رسول الله ص فرمودند:«مِنْ أَكْبَرِ الْكَبَائِرِ أَنْ يَلْعَنَ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ يَلْعَنُ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ قَالَ يَسُبُّ الرَّجُلُ أَبَا الرَّجُلِ فَيَسُبُّ أَبَاهُ وَيَسُبُّ أُمَّهُ»[رواه البخاري]([[6]](#footnote-6)). «از بزرگ‌ترین گناهان این است كه مرد والدین خود را دشنام دهد، گفته شد: ای رسول خدا! چگونه والدین خود را دشنام دهد؟ فرمودند: شخصی پدر دیگری را دشنام مى‌دهد، و او در جواب پدر آن مرد را دشنام مى‌دهد، و او مادر شخصی را دشنام مى‌دهد، و او در جواب مادرش را دشنام مى‌دهد».

حديث 7: (گناه قطع كننده صله رحمي)

جبیر بن مطعم گوید: از رسولص شنیدم كه مى‌فرماید:«لاَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ»[متفق عليه]([[7]](#footnote-7)). «آن كسی كه پیوند فامیلی و خویشاوندی را از هم مى‌گسلد، وارد بهشت نمى‌شود».

حديث 8: (برگرداندن نيكي براي پيوند و صله رحم كافي نيست)

عبدالله بن عمرو ب از پیامبر ص روایت مى‌كند كه فرمودند:«لَيْسَ الْوَاصِلُ بِالْمُكَافِئِ وَلَكِنْ الْوَاصِلُ الَّذِي إِذَا قُطِعَتْ رَحِمُهُ وَصَلَهَا»**.** [رواه البخاري]([[8]](#footnote-8)). «واصل (پیوند دهنده صلهء رحم) كسی نیست كه در برابر ارتباط متقابل، ارتباط فامیلی را برقرار كند، اما واصل كسی است كه هرگاه كسی پیوند خویشاوندى‌اش را قطـع مى‌كند او مى‌رود و آن را بـرقـرار كرده و وصل مى‌كند».

حديث 9: (نهى كردن از كسانيكه در هديه خود بازگشت مى‌كنند)

عبدالله بن عباس ب گوید: رسول الله ص فرمودند:«الْعَائِدُ فِي هِبَتِهِ كَالْكَلْبِ يَقِيءُ ثُمَّ يَعُودُ فِي قَيْئِهِ»**.** [متفق عليه]([[9]](#footnote-9)). «كسى كه هبه اش را پس مى‌گیرد، مانند سگى است كه استفراغ مى‌كند، سپس دوباره استفرغش را مى‌خورد».

حديث 10: (نيكوكاري و گناه)

نواس بن سمعان گوید كه از رسول الله ص در باره نیكوكاری و گناه پرسیدم آنحضرت ص فرمودند:«الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ وَالإثْمُ مَا حَاكَ فِي صَدْرِكَ وَكَرِهْتَ أَنْ يَطَّلِعَ عَلَيْهِ النَّاسُ»[رواه مسلم]([[10]](#footnote-10)). «نیكوكاری، خوش اخلاقی است، و گناه ناراحتی است كه در دل پدید مى‌آید و دوست نداری مردم از آن آگاه شوند».

حديث 11: (مسلمان كسى استكه مسلمان ديگر از اذيت او مصون باشد)

عبدالله بن عمرو ب از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند:«الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ»[متفق عليه]([[11]](#footnote-11)). «مسلمان كسى است كه سایر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند، و مهاجر (واقعی) كسی است كه از آنچه حدا منع كرده است، هجرت نماید. (یعنی آنها را ترک كند)».

حديث 12: (از خصلت‌هاي ايمان گفتار نيك و مراعات حقوق همسايگان و ميهمانان است)

أبو هریره از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند:«مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلاَ يُؤْذِ جَارَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ»[متفق عليه]([[12]](#footnote-12)). «كسی كه ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید سخن نیک بگوید، یا خاموش و ساكت شود، و كسی كه ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید همسایه خود را گرامی بدارد، و كسی كه ایمان به خدا و روز قیامت دارد، میهمان نوازی كند».

حديث 13: (ياري و كمك مؤمنين به يكديگر)

أبو موسی از رسول ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا ثُمَّ شَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ وَكَانَ النَّبِيُّ جَالِسًا إِذْ جَاءَ رَجُلٌ يَسْأَلُ أَوْ طَالِبُ حَاجَةٍ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ فَقَالَ اشْفَعُوا فَلْتُؤْجَرُوا وَلْيَقْضِ اللَّهُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ مَا شَاءَ» [متفق عليه]([[13]](#footnote-13)). «مؤمن در همكاری با مؤمن مانند ساختمانی (استوار) است كه برخی از آن برخی دیگر را محكم مى‌سازد (و برای بیان حالت آن) ایشان ص انگشتان خویش را در هم پنجه زدند، و در حالیكه پیامبر ص نشسته بود مردی، یا صاحب حاجتی بر ما داخل شد طلب حاجتى نمود، آن حضرت ص فرمود: درباره همدیگر شفاعت كنید، و حاجت همدیگر را برطرف سازید، و خداوند آنچه خواهد بر زبان پیامرش جاری مى‌نماید».

حديث 14: (قضاء حوائج مسلمانان)

أبوهریره از رسول الله ص روایت مى‌كند كه: «مَنْ نَفَّسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا نَفَّسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ» [رواه مسلم]([[14]](#footnote-14)). «كسى‌كه از برادر مؤمن خود یک سختی و دشواری را در دنیا بر طرف كند، خداوند یک دشواری و سختی در روز قیامت از او رفع مى‌كند، و كسى‌كه بر فقیر و بینوائی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت، و كسىكه بدی و زشتی مسلمانی را پنهان كند، خداوند در دنیا و آخرت، بدی و زشتی او را مى‌پوشاند، (این زشتی و بدی برای كسانی كه دارای كارها و مناصب بزرگ هستند مى‌باشد، از قبیل امیران كه به فساد مشهور نیستند و ممكن است اتفاقی آن را انجام داده باشند؛ البته در صورت انجام آن كار، ولی اگر در حال انجام زشتی دیده شود، باید منع شود، و اگر توانایی بازداشتن از آن كار زشت وجود نداشت، به فرمانروا و حاكم شهر شكایت نمود)، و خداوند در كمک و یاری بنده است هنگامى‌كه بنده در كمک و یاری برادر مسلمانش مى‌باشد».

حديث 15: (حق مسلمان بر مسلمان ديگر)

أبو هریره از رسول الله ص روایت مى‌كند كه: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتٌّ قِيلَ مَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِذَا لَقِيتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَإِذَا دَعَاكَ فَأَجِبْهُ وَإِذَا اسْتَنْصَحَكَ فَانْصَحْ لَهُ وَإِذَا عَطَسَ فَحَمِدَ اللَّهَ فَسَمِّتْهُ وَإِذَا مَرِضَ فَعُدْهُ وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ» [رواه مسلم]([[15]](#footnote-15)). «حق مسلمان بر مسلمان دیگر شش چیز است گفتند آن چیست؟ فرمود: اگر او را دیدی بر او سلام كن، و اگر تو را دعوت كرد، دعوت او را اجابت كن، و اگر از تو درخواست نصیحت نمود، او را نصیحت كن، و اگر عطسه زد و الحمدلله گفت، به او جواب ده(یعنی بگو: یرحمک الله) خدا تو را رحم كند، و اگر مریض شد، او را عیادت كن، و اگر فوت نمود، جنازهء او را تشییع كن».

حديث 16: (برادري اسلام و حقوق مسلمان)

أبوهریره از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «لاَ تَحَاسَدُوا وَلاَ تَنَاجَشُوا وَلاَ تَبَاغَضُوا وَلاَ تَدَابَرُوا وَلاَ يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لاَ يَظْلِمُهُ وَلاَ يَخْذُلُهُ وَلاَ يَحْقِرُهُ التَّقْوَى هَاهُنَا وَيُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ بِحَسْبِ امْرِئٍ مِنْ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِرْضُهُ». متفق علیه([[16]](#footnote-16)). «شما مسلمانان به یكدیگر حسد نورزید، به زیان یكدیگر سازش نكنید، و به یكدیگر بغض و كینه نورزید، و به همدیگر پشت نكنید، و هیچ یک از شما بر فروش دیگری نفروشد، بندگان خدا، و برادران همدیگر باشید، مسلمان برادر مسلمان است، به برادر خود ستم نمى‌كند، دست از یاری و كمک او نمى‌كشد، او را تكذیب نمى‌كند، او را خوار و ذلیل نمى‌شمارد، این تقوا و پرهیزكاری است ـ و سه بار به سینه اش اشاره فرمود ـ برای انسان همین كافی است كه برادر مسلمان خویش را حقیر و كوچک شمارد، خون و مال و شرف و ناموس هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است».

حديث 17: (نهي از قهر كردن بيش از سه روز)

أبوأیوب الأنصاری از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «لاَ يَحِلُّ لِرَجُلٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثلاَثِ لَيَالٍ يَلْتَقِيَانِ فَيُعْرِضُ هَذَا وَيُعْرِضُ هَذَا وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلاَمِ» [متفق عليه]([[17]](#footnote-17)). «برای هیچ مسلمانی جایز نیست كه بیش از سه روز از برادرش قهر كند، و وقتیكه با یكدیگر برخورد مى‌كنند هر یک از دیگری رویگردان مى‌شود، و بهترین این دو همان است كه ابتدا سلام مى‌كند».

حديث 18: (سواره بر نشسته، وافراد كم بر افراد بسيار سلام مى‌كنند)

أبوهریره روایت مى‌كند كه رسول الله ص فرمودند: «يُسَلِّمُ الرَّاكِبُ عَلَى الْمَاشِي وَالْمَاشِي عَلَى الْقَاعِدِ وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ». [متفق عليه]([[18]](#footnote-18)). «سواره بر پیاده، پیاده بر نشسته، جمعیت كم بر جمعیت زیاد، و كوچک بر بزرگ سلام مى‌كند».

حديث 19: (سلام بر شناخت و غير شناخت است)

عبدالله بن عمرو ب گوید مردی از رسول الله ص پرسید: «أَيُّ الإِسْلاَمِ خَيْرٌ قَالَ تُطْعِمُ الطَّعَامَ وَتَقْرَأُ السَّلاَمَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ». [متفق عليه]([[19]](#footnote-19)). «مردی از رسول اكرم ص پرسید: چه اسلامی بهتر است؟ فرمود: به مردم خوراک دادن، و بر مردم سلام كردن، چه او را بشناسی، و چه او را نشناسی».

حديث 20: (مستحب است با چهره باز و روي خوش برخورد كني)

أبوذر از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «لاَ تَحْقِرَنَّ مِنْ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا وَلَوْ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ بِوَجْهٍ طَلْقٍ». [رواه مسلم]([[20]](#footnote-20)). «هیچ چیزی را از عمل نیک و خیر (و معروف آنچه كه پسندیده است) را كوچک مشمار هر چند كه با برادر مسلمانت با چهره باز و روی خوش برخورد كنی».

حديث 21: (تشويق بر راستگوئي و نهي از دروغگوئي)

عبدالله بن مسعود از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدِّيقًا وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَّابًا» [متفق عليه]([[21]](#footnote-21)). «به راستگویی و راستكرداری و صداقت چنگ بزنید ، به تحقیق كه صداقت و راستی به بر و نیكی رهنمود مى‌سازد و نیكی و بر به سوی بهشت رهنمون مى‌سازد. و هر فرد كه همچنان راست مى‌گوید و بدنبال راستی مى‌باشد و در مسیر آن تلاش و كوشش مى‌نماید تا آنكه نزد خدا از گروه راستگویان و صادقان محسوب مى‌گردد. از دروغگویی و فریبكاری بپرهیزید و دوری نمایید زیرا دروغ به سوی كارهای بد و زشت رهنمون مى‌سازد و فجور و زشتی به سوی آتش جهنم رهنمون مى‌سازد و هر فرد كه همچنان دروغ مى‌گوید و در مسیر آن حركت كرده و تلاش مى‌نماید تا آنكه نزد خداوند متعال از گروه دروغگویان و فریبكاران محسوب مى‌گردد».

حديث 22: (نشانه هاي منافق)

أبوهریره از پیامبر ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلاَثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ» [متفق عليه]([[22]](#footnote-22)). «نشانه منافق، سه چیز است: اول اینكه در صحبتهاى خود، دروغ مى‌گوید، دوم اینكه خلاف وعده عمل مى‌كند، سوم اینكه در امانت خیانت مى‌كند».

حديث 23: (حفظ زبان)

سهل بن سعد از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «مَنْ يَضْمَنْ لِي مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَضْمَنْ لَهُ الْجَنَّةَ» [رواه البخاري]([[23]](#footnote-23)). «هركس بین دو ریش خود (یعنی زبان) و بین دو پایش (یعنی شرمگاهش) برایم ضمانت كند و آنرا حفظ نماید، من بهشت را برایش ضمانت مى‌شوم».

حديث 24: (تعريف غيبت)

أبو هریره روایت مى‌كند كه رسول الله ص فرمودند: «أَتَدْرُونَ مَا الْغِيبَةُ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ قِيلَ أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُ قَالَ إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ اغْتَبْتَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ بَهَتَّهُ» [رواه مسلم]([[24]](#footnote-24)). «آیا مى‌دانید غیبت و پشت سر دیگران حرف زدن چیست؟ گفتند: خدا و رسول خدا داناترند. فرمود: یاد كردن برادرت به آنچه كه او دوست ندارد غیبت است. گفته شد: اگر آنچه در باره برادرم مى‌گویم در او باشد هم غیبت است؟ فرمود: یاد كردن برادرت به آنچه كه در او هست، غیبت است، و اگر به آنچه كه در او نیست او را یاد كنی به او بهتان زده‌ای».

حديث 25: (نهي از نميمه و سخن چيني)

حذیفه بن الیمان گوید: شنیدم كه پیامبر ص مى‌فرماید: «لاَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَّاتٌ» [متفق عليه]([[25]](#footnote-25)).

القتات: سخن چین. «سخن چین و خبركش به بهشت نخواهد رفت».

حديث 26: (نهي از دشنام دادن و لعنت كردن)

أبوذر از رسول الله ص شنید كه مى‌فرماید: «لاَ يَرْمِي رَجُلٌ رَجُلاً بِالْفُسُوقِ وَلاَ يَرْمِيهِ بِالْكُفْرِ إِلاَّ ارْتَدَّتْ عَلَيْهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ صَاحِبُهُ كَذَلِكَ» [رواه البخاري]([[26]](#footnote-26)). «كسى‌كه دیگری را به فسق و كفر متهم مى‌سازد، اگر آن شخص چنین نباشد، فسق و كفرش بر خودش بر مى‌گردد».

حديث 27: (نهي از دشنام دادن مردگان)

عائشه ل گوید: رسول الله ص فرمودند: «لاَ تَسُبُّوا الأَمْوَاتَ فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضَوْا إِلَى مَا قَدَّمُوا» [رواه البخاري]([[27]](#footnote-27)). «به مردگان ناسزا نگویید، زیرا آنان به نتیجه اعمالشان رسیده‌اند».

حديث 28: (دوري و اجتناب از خشم و غضب)

أبوهریره گوید: رسول الله ص فرمودند: «لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرَعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ» [متفق عليه]([[28]](#footnote-28)). «پهلوانی غلبه كردن انسان بر دیگران نیست، بلكه پهلوانی آن است كه انسان هنگام خشم و غضب، بر خود غلبه كند و از خشم خود بكاهد».

حديث 29: (اگر حيا نداشتي هر چه خواستي بكن)

أبو مسعود الأنصاری گوید رسول اكرمص فرمودند: «إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلاَمِ النُّبُوَّةِ الأُولَى إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ» [رواه البخاری]([[29]](#footnote-29)). «آن چه مردم از سخن پیامبران پیشین دریافتند: هرگاه شرم و حیا نداشتی، هر چه خواستی بكن».

حديث 30: (حيا بخشي از ايمان است)

عبدالله بـن عمر ب مى‌گوید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ مَرَّ عَلَى رَجُلٍ مِنْ الأَنْصَارِ وَهُوَ يَعِظُ أَخَاهُ فِي الْحَيَاءِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ دَعْهُ فَإِنَّ الْحَيَاءَ مِنْ الإيمَانِ» متفق علیه([[30]](#footnote-30)). «روزی رسول الله ص از كنار یک مرد انصاری مى‌گذشت كه برادرش را در مورد شرم و حیا نصیحت مى‌كرد(و مى‌گفت كه حیا و شرمت را كم كن) آنحضرت ص فرمود: درباره كم كردن شرم و حیا او را پند مده، زیرا حیا بخشی از ایمان است».

حديث 31: (نرم رفتاري)

عائشه ل از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «إِنَّ الرِّفْقَ لاَ يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلاَّ زَانَهُ وَلاَ يُنْزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلاَّ شَانَهُ». [رواه مسلم]([[31]](#footnote-31)). «رفتار نرم در چیزی نخواهد بود مگر اینكه آن چیز را آرایش و زینت مى‌دهد، و از چیزی گرفته و برداشته نشود مگر اینكه آن چیز را بد و عیب دار مى‌كند».

حديث 32: (نهي از كبر و غرور)

عبدالله بن مسعود از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «لاَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبْرٍ قَالَ رَجُلٌ إِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ثَوْبُهُ حَسَنًا وَنَعْلُهُ حَسَنَةً قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبْرُ بَطَرُ الْحَقِّ وَغَمْطُ النَّاسِ» [رواه مسلم]([[32]](#footnote-32)). «كسیكه در قلب او یک ذره از كبر و غرور باشد وارد بهشت نمى‌شود، یكى از یاران سؤال كرد: اى پیامبر فردى دوست دارد لباس او خوب و زیبا باشد، و همچنین كفش و پاپوش او زیبا و قشنگ باشد! آنحضرت فرمودند: خداوند زیبا و قشنگ است، و زیبائى و قشنگى را دوست دارد، كبر و غرور ناخشنودى و عدم رضایت از حق و تحقیر مردم و ناچیز شمردن آنها است».

حديث 33: (آنچه از مدح و ثنا مكروه است)

أبو بكره روایت مى‌كند كه: «أَنَّ رَجُلاً ذُكِرَ عِنْدَ النَّبِيِّ فَأَثْنَى عَلَيْهِ رَجُلٌ خَيْرًا فَقَالَ النَّبِيُّ وَيْحَكَ قَطَعْتَ عُنُقَ صَاحِبِكَ يَقُولُهُ مِرَارًا إِنْ كَانَ أَحَدُكُمْ مَادِحًا لاَ مَحَالَةَ فَلْيَقُلْ أَحْسِبُ كَذَا وَكَذَا إِنْ كَانَ يُرَى أَنَّهُ كَذَلِكَ وَحَسِيبُهُ اللَّهُ وَلاَ يُزَكِّي عَلَى اللَّهِ أَحَدًا» [متفق عليه]([[33]](#footnote-33)). «مردی نزد رسول الله ص بر مدح و ثنای دیگری بود، رسول الله ص فرمود: وای بر تو گردن او را قطع كردی و بریدی ـ و چند بار این جمله را تكرار كرد ـ اگر یكی از شما به مدح و ثنای كسی اجبار دارد، پس بگوید: به گمانم چنین و چنان است، و اگر دید كه آن شخص در حقیقت مرد خوبی است، بگوید: إن شاء الله آن شخص چنین است، و حساب او نزد خداست، و بر خدا هیچ كس را تزكیه و برتری نمى‌دهد».

حديث 34: (مؤمن عيب خود را مى‌پوشاند)

أبوهریره گوید: شنیدم رسول الله ص مى‌فرماید: «كُلُّ أُمَّتِي مُعَافًى إِلاَّ الْمُجَاهِرِينَ وَإِنَّ مِنْ الْمُجَاهَرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلاً ثُمَّ يُصْبِحَ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فَيَقُولَ يَا فُلاَنُ عَمِلْتُ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ وَيُصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَنْهُ» [متفق عليه]([[34]](#footnote-34)). «تمامی امت من در خیر و عافیت است مگر كسىكه گناهانش را برای مردم آشكار نماید، و از دیوانگی آن است كه فردی در شب كار(بدی) كرده باشد، و خداوند آن كار را بر او ستر كرده و پوشانده باشد، ولی خودش آمده و آنرا بازگو مى‌كند كه اى فلانی من دیشب چنین و چنان كردم، در حالیكه خداوند در شب عیب او را پوشانده بود، و او در صبح آمده و آنرا آشكار مى‌كند».

حديث 35: (آنچه پائين تر از كعب باشد در آتش است)

أبوهریره گوید: رسول الله ص فرمودند: «مَا أَسْفَلَ مِنْ الْكَعْبَيْنِ مِنْ الإِزَارِ فَفِي النَّارِ» [رواه البخاري]([[35]](#footnote-35)). «آنچه از لباسها پائین تر از كعب(بجلك) و قوزک پا باشد، روز قیامت آن مقدار در آتش جهنم خواهد بود».

حديث 36: (حق راه را مراعات كنيد)

أبوسعید الخدری گوید: رسول الله ص فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ عَلَى الطُّرُقَاتِ فَقَالُوا مَا لَنَا بُدٌّ إِنَّمَا هِيَ مَجَالِسُنَا نَتَحَدَّثُ فِيهَا قَالَ فَإِذَا أَبَيْتُمْ إِلاَّ الْمَجَالِسَ فَأَعْطُوا الطَّرِيقَ حَقَّهَا قَالُوا وَمَا حَقُّ الطَّرِيقِ قَالَ غَضُّ الْبَصَرِ وَكَفُّ الأَذَى وَرَدُّ السَّلاَمِ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيٌ عَنْ الْمُنْكَرِ». [متفق عليه]([[36]](#footnote-36)). «از نشستن در معابر عمومی اجتناب كنید، مردم گفتند: یا رسول الله! چاره‌اى جز این نداریم زیرا آنجا، محل نشستن و سخن گفتن ما است، رسول الله ص فرمود: اگر چاره اى جز این ندارید، پس حق راه را مراعات كنید، پرسیدند: یا رسول الله! حق راه چیست؟ فرمود: حفاظت چشمها، اذیت نكردن عابران، جواب دادن سلام و امر به معروف و نهی از منكر».

حديث 37: (جايز بودن مناجات اگر بيش از سه نفر باشد)

عبدالله بن مسعود از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «إِذَا كُنْتُمْ ثَلاَثَةً فَلاَ يَتَنَاجَى رَجُلاَنِ دُونَ الآخَرِ حَتَّى تَخْتَلِطُوا بِالنَّاسِ أَجْلَ أَنْ يُحْزِنَهُ». [متفق عليه]([[37]](#footnote-37)). «اگر سه نفر بودید، نباید دو نفر با هم رازگوئی نجوا كنید، و سومى را ترک كنید، تا اینكه با مردم در هم داخل شوید(یعنی بیش از سه نفر باشید)، چون این امر او را (فرد سومی) را اندوهگین مى‌نماید».

حديث 38: (باز كردن جا در مجالس)

عبدالله بن عمر م روایت مى‌كند كه رسول الله ص فرمودند: «لاَ يُقِيمُ الرَّجُلُ الرَّجُلَ مِنْ مَقْعَدِهِ ثُمَّ يَجْلِسُ فِيهِ وَلَكِنْ تَفَسَّحُوا وَتَوَسَّعُوا». [متفق عليه]([[38]](#footnote-38)). «نباید كسى دیگری را از جایش بلند سازد تا خود در جای او بنشیند، ولیكن جای را باز كنید، و یا بین خود گشایش و وسعت دهید(و كمی تنگتر بنشینید)».

حديث 39: (اجازه خواستن بخاطر نگاه چشم است)

سهل بن سعد روایت مى‌كند كه: «اطَّلَعَ رَجُلٌ مِنْ جُحْرٍ فِي حُجَرِ النَّبِيِّ وَمَعَ النَّبِيِّ مِدْرًى يَحُكُّ بِهِ رَأْسَهُ فَقَالَ لَوْ أَعْلَمُ أَنَّكَ تَنْظُرُ لَطَعَنْتُ بِهِ فِي عَيْنِكَ إِنَّمَا جُعِلَ الاِسْتِئْذَانُ مِنْ أَجْلِ الْبَصَرِ». [متفق عليه]([[39]](#footnote-39)). «مردی از سوراخی كه در حجره های پیامبر ص بود به داخل نگاه مى‌كرد، و در این وقت در دست پیامبر ص (مدری)شانه آهنینی بود كه سر خود را با آن میخارانید، آنحضرت ص فرمود: اگر مى‌دانستم كه تو به داخل خانه نگاه مى‌كنی، این شانه را در چشمت فرو مى‌بردم. اجازه خواستن برای همین است كه شخص نگاه نكند».

حديث 40: (در امور دنيا انسان بايد به كسانىكه از او فقيرتر و عاجزتراند نگاه كند)

أبوهریره از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى مَنْ فُضِّلَ عَلَيْهِ فِي الْمَالِ وَالْخَلْقِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْهُ». [متفق عليه]([[40]](#footnote-40)). «هرگاه یكی از شما به كسى كه خداوند به او مال و ثروت عطا كرده، و او را زیبا آفریده بنگرد، پس به كسى كه از او فقیرتر و عاجزتر و زشت تر است نگاه كند».

حديث 41: (بسم الله گفتن نزد خوردن، و با دست راست خوردن)

عمر بن أبی سَلَمَه گوید: «كُنْتُ غُلاَمًا فِي حَجْرِ رَسُولِ اللَّهِ وَكَانَتْ يَدِي تَطِيشُ فِي الصَّحْفَةِ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ يَا غُلاَمُ سَمِّ اللَّهَ وَكُلْ بِيَمِينِكَ وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ طِعْمَتِي بَعْدُ». [متفق عليه]([[41]](#footnote-41)). «عمر بن سلمه گوید: پسر بچه اى بودم در تربیت رسول خدا ص و دستم در سینی خوراک میگشت، رسول اكرم ص فرمود: اى غلام خدا را یاد كن (بسم الله بگو) و با دست راست خود بخور، و از جلو خود بخور.

و بعد از این همچنان بودم كه رسول اللهص به من دستور داد».

حديث 42: (ليساندن انگشتان)

عبدالله بن عباس م گوید: رسول اللهص فرمودند: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلاَ يَمْسَحْ يَدَهُ حَتَّى يَلْعَقَهَا أَوْ يُلْعِقَهَا». [متفق عليه]([[42]](#footnote-42)). «هـرگاه یكى از شما خوراكى را بخورَد پنجه هاى خود را پاک و تمیز نكند تا اینكه آن را بلیسد یا لیسانیده شود».

حديث 43: (خوردن و آشاميدن با دست راست)

عبدالله بـن عمر ب گوید: رسول الله ص فرمودند: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ» [رواه مسلم]([[43]](#footnote-43)). «هرگاه یكی از شما خواست بخورد با دست راست خود بخورد، و هرگاه خواست بنوشد، با دست راست خود بنوشد، زیرا شیطان با دست چپ مى‌خورد، و با دست چپ مى‌نوشد».

حديث 44: (نوشيدن در حال ايستادن مكروه است)

أبوهریره گوید: رسول الله ص فرمودند: «لاَ يَشْرَبَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ قَائِمًا» [رواه مسلم]([[44]](#footnote-44)). «هیچ یک از شما در حال ایستادن نیاشامد».

حديث 45: (هرگاه كفشي را پوشيد از راست شروع كند و هرگاه آنرا بيرون آورد، از چپ شروع كند)

أبوهریره گوید: رسول الله ص فرمودند: «إِذَا انْتَعَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالْيُمْنَى وَإِذَا خَلَعَ فَلْيَبْدَأْ بِالشِّمَالِ وَلْيُنْعِلْهُمَا جَمِيعًا أَوْ لِيَخْلَعْهُمَا جَمِيعًا» [متفق عليه]([[45]](#footnote-45)). «هرگاه یكی از شما كفش به پا كند اول از راست شروع كند، و آنگاه كه از پا بیرون مى‌آورد از چپ شروع كند، اول باید پای راست كفش شود، و آخر هم آن، از پا در آورده شود». و یا هر دو را كفش بپوشد. یا هر دو پا را برهنه كند.

حديث 46: (آنچه در عطسه مستحب، و در خميازه ناپسند است)

أبو هریره گوید رسول الله ص فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعُطَاسَ وَيَكْرَهُ التَّثَاؤُبَ فَإِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ وَحَمِدَ اللَّهَ كَانَ حَقًّا عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ سَمِعَهُ أَنْ يَقُولَ لَهُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ وَأَمَّا التَّثَاؤُبُ فَإِنَّمَا هُوَ مِنْ الشَّيْطَانِ فَإِذَا تَثَاءَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَرُدَّهُ مَا اسْتَطَاعَ فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا تَثَاءَبَ ضَحِكَ مِنْهُ الشَّيْطَانُ» [رواه البخاري]([[46]](#footnote-46)). «خداوند حكیم، عطسه را دوست داشته و خمیازه را ناپسند مى‌داند. بنابر این هرگاه یكی از شما عطسه زده و الحمد لله بگوید، بر هر مسلمانی كه «الحمد لله»، را مى‌شنود واجب است (سزاوار است) كه به او بگوید: يرحمك الله، اما این را بدانید، كه خمیازه از جانب شیطان است، بدین خاطر هر یک از شما كه خمیازه بر او غلبه كند، تا آنجا كه مى‌تواند آن را دفع و رد كند، زیرا هر یک از شما كه خمیازه مى‌كشد، شیطان به خاطر این عملش به او مى‌خندد و مسخره‌اش مى‌كند».

حديث 47: (آداب ديدن خواب)

أبو سعید الخدری از رسول الله ص شنید كه فرمودند: «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يُحِبُّهَا فَإِنَّمَا هِيَ مِنْ اللَّهِ فَلْيَحْمَدْ اللَّهَ عَلَيْهَا وَلْيُحَدِّثْ بِهَا وَإِذَا رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ فَإِنَّمَا هِيَ مِنْ الشَّيْطَانِ فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا وَلاَ يَذْكُرْهَا لأحَدٍ فَإِنَّهَا لاَ تَضُرُّهُ». [متفق عليه]([[47]](#footnote-47)). «اگر یكی از شما خوابی دید كه میل داشت بقیه را از آن آگاه كند، آن خواب از خداست، بنابراین باید خدا را سپاس گوید و دیگران را از آن با خبر سازد، ولی اگر غیر آن بود و كراهت داشت، آن خواب از شیطان است و باید از شر آن به خدا پناه برد و كسی را از آن خبر ندهد كه به او ضرر و زیانی نخواهد رسید».

حديث 48: (كسى‌كه در خواب ديدن دروغ بگويد)

عبدالله بن عباس ب از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «مَنْ تَحَلَّمَ بِحُلْمٍ لَمْ يَرَهُ كُلِّفَ أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ وَلَنْ يَفْعَلَ وَمَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ أَوْ يَفِرُّونَ مِنْهُ صُبَّ فِي أُذُنِهِ الآنُكُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ صَوَّرَ صُورَةً عُذِّبَ وَكُلِّفَ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا وَلَيْسَ بِنَافِخٍ». [رواه البخاري]([[48]](#footnote-48)). «هركس به دروغ خوابی را بازگو كند، مكلف مى‌شود تا بین دو دانه جو با هم گره زند، در حالیكه نمى‌تواند آنرا انجام دهد، و هر كس به سخن و گفتار قومی گوش دهد كه ایشان آنرا ناپسند مى‌دانند، روز قیامت سرب مذاب شده در گوشش می‌ریزند، و هر كس عكسی را نقاشی كند، مكلف مى‌شود تا در آن روح بدمد، در حالیكه نمى‌تواند آنرا انجام دهد».

حديث 49: (در دعا كردن عزم و اراده كند چون براي خدا ناپسند نيست)

أبو هریره گوید رسول اللهص فرمودند: «لاَ يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنْ شِئْتَ، اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي إِنْ شِئْتَ، لِيَعْزِمْ الْمَسْأَلَةَ فَإِنَّهُ لاَ مُكْرِهَ لَهُ». [متفق عليه]([[49]](#footnote-49)). «هیچ یک از شما نگوید: خدایا! اگر خواستی به من رحم كن، پروردگارا! اگر خواستی از گناهان و تقصیراتم درگذر؛ بلكه در دعا كردن عزم و اراده كند، زیرا خواهش تو، برای خداوند ناپسند نیست».

حديث 50: (سيد الاستغفار)

شداد بن أوس از رسول الله ص روایت مى‌كند كه فرمودند: «سَيِّدُ الاِسْتِغْفَارِ أَنْ تَقُولَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ قَالَ وَمَنْ قَالَهَا مِنْ النَّهَارِ مُوقِنًا بِهَا فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمْسِيَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ قَالَهَا مِنْ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ». [رواه البخاري]([[50]](#footnote-50)). «خدایا! تو پروردگار منی. معبودی به حق جز تـو كه مرا آفریدی، وجود ندارد. من بنده تو هستم و تا جایی كه بتوانم به پیمان و وعده تو پایدارم. از شـر آن چـه انجام داده‌ام، به تو پناه مى‌برم. از نعمت تو بر خود آگاهم و به گناهم اعتراف دارم. مرا هرآینه بیامرز؛ زیرا جز تو كسی آمرزنده نیست.

هر كس در هنگام روز، این دعا را به طور یقین بگوید و پیش از آغاز شب بمیرد، از اهل بهشت است، و كسی كه آن را شب از روی یقین بگوید و پیش از صبح بمیرد، از اهل بهشت است».

وصلی الله علی محمد وآله وصحبه وسلّم

1. - البخاري في الإيمان رقم: 16، مسلم في الإيمان رقم: 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. - البخاري في الاعتصام رقم: 7280. [↑](#footnote-ref-2)
3. - مسلم في الزهد والرقائق رقم: 2965. [↑](#footnote-ref-3)
4. - مسلم في البر والصلة رقم: 2621. [↑](#footnote-ref-4)
5. - البخاري في الآداب رقم: 5971، مسلم في البر والصلة رقم: 2548. [↑](#footnote-ref-5)
6. - البخاري في الآداب رقم: 5973. [↑](#footnote-ref-6)
7. - البخاري في الآداب رقم: 5984، مسلم في البر والصلة رقم: 2556. [↑](#footnote-ref-7)
8. - البخاري في الآداب رقم: 5991. [↑](#footnote-ref-8)
9. - البخاري في الهبة رقم: 2589، مسلم في الوصايا والصدقة رقم: 1622. [↑](#footnote-ref-9)
10. - مسلم في البر والصلة رقم: 2553. [↑](#footnote-ref-10)
11. - البخاري في الإيمان رقم: 10، مسلم في الإيمان رقم: 40. [↑](#footnote-ref-11)
12. - البخاري في الآداب رقم: 6018، مسلم في الإيمان رقم: 48. [↑](#footnote-ref-12)
13. - البخاري في الآداب رقم: 6027، مسلم في البر والصلة رقم: 2585. [↑](#footnote-ref-13)
14. - مسلم في الذكر والدعاء رقم: 2699. [↑](#footnote-ref-14)
15. - مسلم في الآداب رقم: 2162. [↑](#footnote-ref-15)
16. - البخاري في الآداب رقم: 6064، مسلم في البر والصلة رقم: 2564. [↑](#footnote-ref-16)
17. - البخاري في الآداب رقم: 6077، مسلم في البر والصلة رقم: 2560. [↑](#footnote-ref-17)
18. - البخاري في الاستئذان رقم: 6233، مسلم في الآداب رقم: 2160. [↑](#footnote-ref-18)
19. - البخاري في الاستئذان رقم: 6236، مسلم في الإيمان رقم: 39. [↑](#footnote-ref-19)
20. - مسلم في البر والصلة رقم: 2626. [↑](#footnote-ref-20)
21. - البخاري في الآداب رقم: 6094، مسلم في البر والصلة رقم: 2607. [↑](#footnote-ref-21)
22. - البخاري في الإيمان رقم: 33، مسلم في الإيمان رقم: 59. [↑](#footnote-ref-22)
23. - البخاري في الرقاق رقم: 6474. [↑](#footnote-ref-23)
24. - مسلم في البر والصلة رقم: 2589. [↑](#footnote-ref-24)
25. - البخاري في الآداب رقم: 6056، مسلم في البر والصلة رقم: 105. [↑](#footnote-ref-25)
26. - البخاري في الآداب رقم: 6045. [↑](#footnote-ref-26)
27. - البخاري في الجنائز رقم: 1393. [↑](#footnote-ref-27)
28. - البخاري في الآداب رقم: 6114، مسلم في البر والصلة من حديث ابن مسعود رقم: 2608. [↑](#footnote-ref-28)
29. - البخاري في الآداب رقم: 6120. [↑](#footnote-ref-29)
30. - البخاري في الإيمان رقم: 24،. مسلم في الإيمان رقم: 59. [↑](#footnote-ref-30)
31. - مسلم في البر والصلة رقم: 2594. [↑](#footnote-ref-31)
32. - مسلم في الإيمان رقم: 91. [↑](#footnote-ref-32)
33. - البخاري في الآداب رقم: 6061، مسلم في الزهد والرقائق: 3000. [↑](#footnote-ref-33)
34. - البخاري في الآداب رقم: 6069، مسلم في الزهد والرقائق رقم : 2990. [↑](#footnote-ref-34)
35. - البخاري في اللباس رقم: 5787. [↑](#footnote-ref-35)
36. - البخاري في الـمظالم رقم: 2465، مسلم في الآداب رقم: 2161. [↑](#footnote-ref-36)
37. - البخاري في الاستئذان رقم: 6288، مسلم في الآداب رقم: 2184. [↑](#footnote-ref-37)
38. - البخاري في الاستئذان رقم: 6270، مسلم في الآداب: 2177. [↑](#footnote-ref-38)
39. - البخاري في الاستئذان رقم: 6241، مسلم في الآداب رقم: 2156. [↑](#footnote-ref-39)
40. - البخاري في الرقاق رقم: 6490، مسلم في الزهد والرقائق رقم: 2963. [↑](#footnote-ref-40)
41. - البخاري في الأطعمة رقم: 5376، مسلم في الأطعمة رقم: 2022. [↑](#footnote-ref-41)
42. - البخاري في الأطعمة رقم: 5456، مسلم في الأطعمة رقم: 2031. [↑](#footnote-ref-42)
43. - مسلم في الأطعمة رقم: 2020. [↑](#footnote-ref-43)
44. - مسلم في الأشربة رقم: 2026. [↑](#footnote-ref-44)
45. - البخاري في اللباس رقم: 5855, 5856، مسلم في اللباس والزينة رقم: 2097. [↑](#footnote-ref-45)
46. - البخاري في الآداب رقم: 6223. [↑](#footnote-ref-46)
47. - البخاري في التعبير رقم: 6985، مسلم من حديث أبي قتادة في الرؤيا رقم: 2226. [↑](#footnote-ref-47)
48. - البخاري في التعبير رقم: 7042. [↑](#footnote-ref-48)
49. - البخاري في الدعوات رقم: 6338، مسلم في الدعاء رقم: 2679. [↑](#footnote-ref-49)
50. - البخاري في الدعوات رقم: 6306. [↑](#footnote-ref-50)